

بررسی فقهی نکاح معاطاتی

خلیل الله احمدوند^۱، حمیدرضا شهبازیان^۲

^۱عضو هیئت علمی دانشگاه رازی

^۲دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه رازی

نویسنده مسئول :

حمیدرضا شهبازیان

شماره ۱۸ / زمستان ۱۳۹۸ / ص ۱-۱۲
مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات (سال پنجم)

چکیده:

مسأله ی معاطات در تعداد قابل توجهی از عقود مورد پذیرش بوده و بحث چندانی درباره آن ها وجود ندارد اما در مورد نکاح موضوع متفاوت است و بحث های بسیاری درباره امکان یا عدم امکان انجام نکاح به صورت معاطات مطرح شده است. در این زمینه عده ی کثیری از فقها قائل به بطلان نکاح معاطاتی بوده و دلایلی نیز بر مدعای خود اقامه نموده اند دلایلی از قبیل اجماع- روایات- سیره ی مسلمین- مرتکز بودن لزوم تلفظ در عقد نکاح نزد متشرعین و... در مقابل، تعداد معدودی با فتوای شاذ خویش قائل به صحت تعاطی در نکاح گشته اند و آن ها نیز دلایلی را بر این ادعا اقامه کرده اند دلایلی که بیشتر با تمسک به اطلاق آیات و روایات مطرح شده اند و با رد و ابطال از سوی گروه مقابل مواجه شده اند و اساسا با وجود ادله ای که لفظی بودن ایجاب و قبول را در نکاح شرط می دانند جایی برای تمسک به اطلاق باقی نخواهد ماند همچنین دلایل دیگری از قبیل سیره مسلمین آنچنان مستحکم می باشند که راه را برای هر پژوهشگر منصفی روشن می نمایند.

کلیدواژه: عقد- نکاح- ایجاب و قبول- لفظ- معاطات

مقدمه:

نکاح از دیرباز و در همه ی ادیان و فرق وجود داشته و سابقه ای معادل سن بشریت دارد چرا که فطرت هر انسانی او را به این امر سوق می دهد و از طرف دیگر وسیله ی استمرار نسل بشر می باشد لذا مساله ای مبتلا به بوده و همه فرق و ادیان توجه خاصی به آن داشته اند. دین مبین اسلام نیز از این قاعده مستثنا نبوده و به صورت مبسوطی این مساله را مورد توجه قرار داده و احکامی چند برای این مساله بیان نموده است و حتی کوچک ترین واجبات و مستحبات در این زمینه نیز مغفول نمانده است. یکی از این احکام میثاق ایجاب و قبول است که همچون سایر عقود شرط صحت آن می باشد. اما مساله ی مورد بحث شرطیت یا عدم شرطیت لفظ در ایجاب و قبول است همچنانکه بحث الفاظ یکی از مباحث مورد توجه در باب عقود بوده و همواره این بحث مطرح شده که آیا ایجاب و قبول عقود میتواند به صورت لفظی یا غیر لفظی (معاطات) واقع گردد؟

در ارتباط با بسیاری از عقود علماء اتفاق نظر دارند بر اینکه می توان آن ها را به صورت معاطاتی انجام داد اما در باب نکاح در این زمینه اختلاف نظر وجود دارد برخی از علماء قائل به جواز این امر بوده و برخی قائل به عدم جواز می باشند و هر دو گروه نیز بر مدعای خویش دلایلی اقامه کرده اند.

دلیل اختلاف در لزوم یا عدم لزوم تلفظ ایجاب و قبول نکاح را می توان مهم و مورد توجه بودن مساله نکاح و خانواده در شریعت اسلام دانست چرا که نتایجی که از نکاح منشعب می گردد بر تمامی جامعه تاثیرگذار خواهد بود و لذا بحث پیرامون آن به سهولت بحث در باب سایر عقود نخواهد بود از طرفی هم وجود ادله ای بیانگر متفاوت بودن نکاح نسبت به سایر عقود است تا جایی که حتی نکاح را به عبادات شبیه تر دانسته اند تا به عقود.

بنابراین مساله ی معاطاتی بودن نکاح از مباحثی است که بحث های بسیاری پیرامون آن وجود داشته و دارد.

این مقاله نیز سعی دارد تا به صورت خلاصه ای به این امر پرداخته و ادله ی موافقین و مخالفین آن را بیان دارد امید که مورد رضای حق تعالی قرار گیرد ان شاء الله .

ابتدا لازم است جهت آشنایی بیشتر به تعریف برخی از لغات بپردازیم:

نکاح:

نکاح عقدی است که متضمن ایجاد علقه زوجیت مخصوص می باشد و نکاح یا دائم است یا موقت یا با خریدن کنیز.

نکاح دائم محقق می شود با این قول زوجه: «زوجتک نفسی علی کذا» و زوج نیز بگوید: «قبلت الزواج علی کذا»

نکاح منقطع محقق می شود با قول زوجه: «متعتک نفسی علی کذا و لمده کذا» و قول زوج: «قبلت تمتع علی کذا و لمده کذا»

البته بیان شده که تقدم ایجاب بر قبول نیازی نیست زیرا آنچه که مطلوب شارع است واقع شدن عقد نکاح است نه چیز دیگر و همچنین است عدم اعتبار عربیت در ایجاب و قبول که به دلیل خارج بودن از موضوع مقاله تفصیل آن در اینجا جایز نیست^۱

ایجاب و قبول:

ایجاب در لغت از باب افعال است به معنای به جواب آوردن و قبول نیز به معنای پذیرفتن است

اما در اصطلاح: ایجاب به معنای پیشنهاد انعقاد یک قرارداد می باشد و قبول نیز به معنای پذیرفتن مفاد آن ایجاب برای تحقق عقد است که به گوینده ایجاب و قبول به ترتیب موجب و قابل می گویند^۲

و نیز شرطیت ایجاب و قبول در صحت هر عقدی لازمه ی عقد بودن آن می باشد

معاطات:

در لغت به معنای چیزی را به کسی دادن و چیزی را دست به دست کردن است^۳ و در اصطلاح به معنای ایجاب و قبول عقدی را به صورت غیر لفظی و تنها با عمل انجام دادن است.

^۱ ابروانی، محمد باقر، دروس التمهیدیه، جلد ۲، ص ۲۹۱

^۲ برگرفته از سایت www.islamquest.net

^۳ دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷

تعریف نکاح معاطاتی:

«کسانی که قائل به بحث نکاح معاطاتی هستند، چنین می‌گویند که، نکاح معاطاتی این است که انسان با انجام عملی که بدون تحقق زوجیت جایز می‌باشد، قصد ازدواج با زنی را نماید، مثل اینکه زنی را به خانه خود بیاورد»^۴ بنابراین منظور قائلین به نکاح معاطاتی هم انجام کارهای حرام از قبیل تماس جنسی و... قبل از ازدواج نیست و همچنین مقصود آن‌ها صرف داشتن رضایت باطنی بدون هیچ گونه عملی که آن را نمایان کند هم نمی‌باشد پس با این کلام شبهه‌ی زنا بودن نکاح معاطاتی نیز مندرج است زیرا در نکاح معاطاتی قصد زواج وجود دارد درحالی‌که اساسا در زنا چنین قصدی محلی از اعراب ندارد.

بعد از روشن شدن مفهوم کلمات و تعریف نکاح معاطاتی اکنون نوبت آن است که بدانیم آیا در عقد نکاح معاطات جایی دارد یا خیر؟ برای نیل به این مقصود ذکر مقدماتی لازم است

اعتبار الفاظ در عقود:

ابتدائاً باید دانست که الفاظ به چه دلیل در عقود معتبر می‌باشند و اساساً دلیل حجیت آن‌ها چیست و سپس از این رهگذر به سراغ عقود برویم که ایجاب و قبول آن‌ها لفظی نیست (معاطات) و بعد از آن ببینیم که آیا نکاح هم به عنوان یک عقد به صورت معاطاتی واقع می‌شود؟

یک اصل پذیرفته شده در عقود اصل حاکمیت اراده می‌باشد و اساساً عقد یک عمل حقوقی ارادی می‌باشد که از جانب دو شخص صورت می‌گیرد بنابراین همانطور که از تعریف عقد مشخص است اصل حاکمیت اراده اصلی است که در عقود جاری است و جز در موارد مغایرت با نظم اجتماعی پایدار خواهد بود که این اصل از عبارت «العقود تابعه للقصود» استخراج شده است

بنابراین اراده در عقد رکن اساسی آن تلقی می‌گردد که در صورت فقدان آن، عقد باطل خواهد بود همچنانکه که عقد شخص مجنون و مست و بیهوش و... باطل است که این امر مستفاد از ماده ۱۹۵ ق.م می‌باشد که مقرر می‌دارد: «اگر کسی در حال مستی یا بیهوشی یا در خواب معامله نماید، آن معامله به واسطه‌ی فقدان قصد باطل است»

اراده درونی بدون ابراز آن برای تحقق عقد کافی نیست بلکه این اراده و قصد انشا باید به نحوی از انحاء ابراز گردد تا طرف دیگر از این قصد آگاه شده و در نهایت عقد و توافق محقق شود و نیز انعقاد عقود از مصادیق زندگی اجتماعی بشر است و بدون لفظ یا عملی که دال بر این موضوع باشد هیچ مستمسکی برای اثبات قصد طرفین در به وجود آوردن قرارداد وجود نخواهد داشت و در نتیجه موجب اخلال در نظم اجتماعی می‌شود.^۵ یکی دیگر از دلایل حجیت الفاظ در عقود سیره‌ی عقلا و عرف خاص می‌باشد زیرا عقلا بیانات و الفاظ افراد را ملاک قرار می‌دهند نه صرف اراده باطنی آن‌ها را و همچنین است سیره‌ی موجود میان معامله‌کنندگان زیرا اساساً اراده باطنی افراد به تنهایی قابل تشخیص نیست تا بخواهد ملاک عمل قرار گیرد.^۶

متداول ترین شیوه‌ی ابراز اراده، الفاظ می‌باشند که به روشنی می‌توانند بیانگر اراده شخص در منعقد ساختن آن عقد باشند البته در این زمینه تفاوتی میان لفظ به صورت گفتاری یا نوشتاری وجود ندارد زیرا هر دو در ابراز اراده شخص یکسان عمل می‌نمایند.

فقه‌ها نیز در باب اعتبار الفاظ دلایلی اقامه کرده اند برای مثال:

در کتاب های اللروضه البهیه فی الشرح للمعه الدمشقیه و مقابس الانوار و نفائس الاسرار این عبارت به کار رفته: ^۷ ^۸

«لا يعلم إلا بالقول الكاشف عنه و هو السر في اعتبار الألفاظ الصريحة الدالة على الرضا بالعقد، مع أن المعتبر هو الرضا، لكنه أمر باطنی لا يعلم إلا به» یعنی دلیل اعتبار الفاظ صریحه‌ی که دلالت بر رضا نماید این است که کشف کننده‌ی آن رضایت می‌باشد زیرا رضا و قصد از امور باطنی هستند

همچنین در کتاب المناهل نیز عبارتی با همین مضمون به کار رفته است. و نیز در کتاب جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام آمده که دلیل اعتبار الفاظ دلالت آن‌ها بر اراده لفظ است پس اگر علم به عدم دلالت آن وجود داشته باشد به دلیل آنکه گوینده امر دیگری را قصد کرده دلیلی برای پابندی به آن وجود نخواهد داشت^۹

^۴ زنجانی، سید موسی شبیری، کتاب نکاح، جلد ۸، ص ۲۴۵۲

^۵ حکیمی، محمد مهدی، اراده در عقود، برگرفته از پژوهشکده باقر العلوم

^۶ بیگدلی، سعید و مالکی، اعظم، جایگاه اراده‌ی ظاهری و باطنی در فقه و حقوق موضوعه

^۷ عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، اللروضه البهیه فی الشرح للمعه الدمشقیه، ص ۳۱۱

^۸ تستری، اسد الله کاظمی، مقابس الأنوار و نفائس الأسرار فی أحكام النبی المختار و عترته الأطهار، ص ۲۸۲

^۹ نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، جلد ۲۹، ص ۱۴۰

همچنانکه ماده ۱۹۱ قانون مدنی در این باره مقرر داشته که: «عقد محقق می‌شود به قصد انشاء به شرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند.» که کلمه ی چیزی عام است و شامل لفظ نیز می‌شود
بعد از مشخص شدن معتبر بودن الفاظ در عقود که در این باره دلایلی چند بیان شد اکنون نوبت آن است که بدانیم آیا اگر عقدی به نحو معاطات واقع شود بازهم معتبر خواهد بود؟

اعتبار تعاطی در عقود:

در کتاب المناهل بیان شده که «الامور الباطنیة الخفیة كما تعرف بالالفاظ علما او ظنا کک تعرف بالافعال علما او ظنا بل قد یكون دلالة الفعل فیما یدلّ علیه اقوی» یعنی امر باطنی همانند اراده همچنانکه به نحو علم یا ظن با الفاظ تعریف می‌شوند با افعال نیز تعریف می‌شوند بلکه دلالت فعل قوی تر از لفظ است^{۱۰}

همچنین همانطور گذشت اراده باید به وسیله ی مبرز ی ابراز گردد و رایج ترین مبرز لفظ می‌باشد اما شکی نیست که عمل نیز می‌تواند به عنوان مبرز ی برای اراده لحاظ شود و بیان شد که سیره عقلا و عرف خاص به آن مبرز که شامل لفظ و عمل می‌شود توجه دارند نه صرف اراده.

و نیز آمده که: «منقولست در موثق کالصحیح از عمرو که گفت عریضه نوشتم به خدمت امام محمد تقی صلوات اللّٰه علیه و از آن حضرت سؤال کردم که هر گاه شخصی شخصی را وصی کند که از جهة او سه حج از سه مرد استیجار نماید خود می‌تواند که یکی از آن حج ها را بکند پس فرمان همایون آن حضرت رسید که به خط مبارک خود نوشته بودند و من خود خواندم که تو از او حج بکن این شاء اللّٰه به درستی که تو را نیز مثل او ثواب هست و از مزد او چیزی را کم نمی‌کنی.» و بعضی دغدغه کرده‌اند که در استیجار می‌باید که صیغه واقع شود و خود نمی‌تواند که موجب و قابل باشد و این معنی در فرضی است که لازم باشد از آن جهت که مبدا بر او لازم نشود و نکند و یا در آن سال اجیر دیگری شود چون اجاره معاطات لازم نیست که به آن وفا کند^{۱۱} که این خود دال بر صحت معاطات است البته اگر عقدی به نحو معاطات واقع گردد مادامی که در آن تصرفی نشده باشد جایز است نه لازم

همچنین در رساله عملیه وحید بهبهانی در باب صیغه اجاره آمده که: «در معاطات هم مادامی که ملتزمند طرفین و فسخ ننموده‌اند در ذمه داخل است و عمل لازم است منتهای امر اختیار دارند قبل از تصرف در بهم زدن معامله (میرزا)»^{۱۲}
و حتی در کتاب مقام الفضل آمده که: «معامله ی مستجمع شرایط صحت را معاطات گویند»^{۱۳}

دلیل دیگری که در این باب می‌توان به آن اشاره کرد کتاب انیس التجار است که در آن مولی محمد مهدی نراقی معاطات را خرید و فروش نمیداند اما می‌فرماید که: «در معاطات همچنان چه جایز است تصرف کردن در آن مال، جایز است تصرف کردن در منفعتی که از آن حاصل شود، مثل اینکه هرگاه گوسفندی بر سبیل معاطات دادوستد شود و از او بچه یا شیر به هم رسد، یا پشم و مو به هم رسد، جایز است تصرف کردن در هر یک از آنها و استعمال کردن آنها»^{۱۴}

همچنین در ماده ۱۹۳ ق.م بیان شده که: «انشاء معامله ممکن است به وسیله ی عملی که مبین قصد و رضا باشد مثل قبض و اقباض حاصل گردد مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد»

دکتر امامی نیز در این رابطه می‌فرماید: «زیرا الفاظ در عقود جنبه طریقی دارند، و در صورتی که خصوصیتی در لفظ نباشد و فقط برای تفهیم مقصود بکار رود، هر فعلی که بتواند مانند لفظ مقصود فاعل را بفهماند برای انعقاد عقد کافی میباشد. این نوع از معامله را فقهای اسلام معاطات نامند»^{۱۵} البته در ماده ۱۹۲ ق.م بیان شده که: «در مواردی که برای طرفین یا یکی از آنها تلفظ ممکن نباشد اشاره که مبین قصد و رضا باشد کافی خواهد بود» از این ماده بر می‌آید که معاطات تنها اختصاص به مورد عجز می‌باشد درحالیکه در ماده قبل اصل را بر صحت معاطات نهاده بود اما حقوقدانانی نظیر دکتر کاتوزیان برای توجیه تعارض این ماده با ماده قبل بیان داشته اند که این ماده اخیر مفهوم مخالف ندارد و تنها درصدد بیان فرض شایع آن است.^{۱۶}

^{۱۰} حائری، سید محمد مجاهد طباطبایی، کتاب المناهل، ص ۲۲۰

^{۱۱} اصفهانی، مجلسی اول، محمد تقی، لواصق صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه ص ۱۴۱

^{۱۲} بهبهانی، محمد باقر بن محمد اکمل، رساله عملیه متاجر (با تعلیقات میرزای شیرازی) ص ۱۵۸

^{۱۳} کرمانشاهی، آقا محمد علی بن وحید بهبهانی، مقام الفضل، جلد ۲، ص ۲۷۲

^{۱۴} نراقی، مولی محمد مهدی بن ابی ذر، انیس التجار (محشی)، ص ۷۰

^{۱۵} امامی، سید حسن، حقوق مدنی، جلد ۱، ص ۱۸۲

^{۱۶} هدایت نیا، فرج الله، نکاح معاطاتی از منظر فقه، برگرفته از پایگاه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

امام خمینی(ره) نیز قائل به صحت معاطات در عقود بودند و شاهد آن نیز عبارت ایشان در کتاب ارزشمند تحریر الوسیله می باشد که می فرمایند: «اقوی آن است که بیع در چیز کوچک و بزرگ، با معاطات واقع می شود و «معاطات» عبارت است از تسلیم نمودن عین (به طرف) به قصد اینکه با عوض ملک او شود، و تحویل گرفتن عوض آن به همین عنوان عوض بودن و ظاهر آن است که به مجرد اینکه (فروشنده) مبیع را به قصد تملیک به مشتری در مقابل عوض تسلیم نماید و مشتری هم در گرفتن آن مالک شدن در مقابل عوض را قصد نماید، معاطات تحقق پیدا می کند»^{۱۷} همچنین ایشان در کتاب نجات العباد عبارتی مشابه می فرمایند که دال بر صحت معاطات می باشد: «خرید و فروش به عنوان معاطات صحیح است بنا بر اقوی، و فرقی نیست میان معاملات پر قیمت و کم قیمت، پس اگر در موقع معامله صیغه نخوانند، ولی فروشنده در مقابل مالی که از خریدار می گیرد مال خود را ملک او کند و او بگیرد معامله صحیح است و هر دو مالک می شوند»^{۱۸}

در میان فقههای معاصر غیر از امام خمینی(ره) افراد دیگری نیز قائل به صحت معاطات شده اند که به دلیل آنکه مجالی برای پرداختن به همه ی آن ها نیست تنها به چند نمونه از آن ها اشاره می نماییم:

در پاسخ به استفتائی آیت الله بهجت می فرمایند: «سوال: در عقودی همانند بیع و ... خواندن عقد به عربی لازم است یا صرف عمل کفایت می کند؟ پاسخ: با معاطات هم واقع می شود و صیغه عربی لازم نیست»^{۱۹}

همچنین آیت الله وحید خراسانی می فرمایند: «لازم نیست صیغه صلح به عربی خوانده شود، بلکه با هر لفظی که بفهماند با هم صلح و سازش کرده اند صحیح است، و همچنین به معاطات، بلکه به دادن از یک طرف و گرفتن از طرف دیگر به قصد صلح محقق می شود»^{۲۰} که البته تمسک به این فرمایش برای اثبات اعتبار معاطات بعد از الغای خصوصیت از صلح امکان پذیر خواهد بود

آیت الله مکارم شیرازی هم از این قاعده مستثنا نبوده و قائل به اعتبار معاطات می باشند: «چیزی که در بین عقلا هست مثلاً بیع معاطات که قبل از اسلام هم در بین عقلا بوده که سیره عقلا بما هو عقلا حجت است منتهی شارع باید با قولش یا سکوتش آن را امضا کند»^{۲۱}

در بین تمامی این ادله آنچه روشن است اشتراک همگی آن ها در صحت معاطات می باشد لذا حجیت و اعتبار تعاطی در عقود نیز با دلایل بسیاری ثابت است به نحوی که میتوان گفت که این امر از امور مورد اتفاق است حتی در قانون نیز مورد قبول واقع شده حال باید دید آیا در نکاح هم می توان به صورت معاطاتی انعقاد عقد نمود یا این عقد از آن مواردی است که قانون و شرع استثنا نموده؟

برای پاسخ به این پرسش ابتدا باید دید که آیا تفاوتی میان نکاح با سایر عقود وجود دارد تا آن را از حکم اعتبار معاطات خارج کند و آن را تخصیص زند یا خیر؟

ماهیت عقد نکاح:

عقد نکاح همانطور که گذشت عقدی است که متضمن ایجاد علقه ی زوجیت مخصوص (میان زن و مرد) است.^{۲۲} با توجه به این تعریف و اینکه متعاقدين نکاح به دنبال ایجاد زندگی مشترک و تشکیل خانواده ای هستند که قویا در دین مبین اسلام مورد تاکید قرار گرفته تا آنجا که امام باقر(ع) می فرمایند: «ما بُنِيَ بِنَاءٌ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ - عَزَّ وَ جَلَّ - مِنْ التَّزْوِيجِ؛ هیچ بنائی در مکتب اسلام طرح ریزی نشده که در نزد خداوند بزرگ محبوب تر از ازدواج باشد.» و نیز کلام معروف پیامبر(ص) که فرمودند: «النَّكَاحُ سُنَّتِي فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي؛ ازدواج دادن و ازدواج نمودن، سیره و راه من است و هرکس از این سنت زیبای الهی سر برتابد، از من نیست» همچنانکه خداوند متعال در آیه ی ۲۱ سوره روم می فرمایند: «جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»؛ خداوند بین شما (زنان و مردان) محبتی خاص قرار داده و به یکدیگر مهربان نموده است. همانا در این امر نشانه ها و آیاتی است برای آنانی که تفکر کنند.»^{۲۳}

می توان تفاوت نکاح با سایر عقود و مهم تر بودن آن نسبت به دیگر عقود را استنباط نمود بنابراین با توجه به نقش تاثیرگذار نکاح بر جامعه و دور کردن آن از منجلا ب فساد طبیعی است که در آیات و روایت ما، نگاه متفاوتی به این عقد خاص وجود داشته باشد و احکام خاصی برای آن لحاظ شده باشد

^{۱۷} خمینی، سید روح الله موسوی - مترجم: اسلامی، علی، تحریر الوسیله - ترجمه، جلد ۲، ص ۳۶۷

^{۱۸} خمینی، سید روح الله موسوی، نجات العباد، ص ۲۲۵

^{۱۹} گیلانی، فومنی، محمد تقی بهجت، استفتانات، جلد ۳، ص ۲۴۳

^{۲۰} خراسانی، حسین وحید، توضیح المسائل، ص ۴۳۲

^{۲۱} شیرازی، ناصر مکارم، کتاب النکاح، جلد ۱، ص ۲۴

^{۲۲} ایروانی، محمد باقر، دروس التمهیدیه، جلد ۲، ص ۲۹۱

^{۲۳} مجله فرهنگ کوثر، تابستان ۱۳۸۱، شماره ۵۴، خانواده از دیدگاه قرآن و اهل بیت، برگرفته از پایگاه اطلاع رسانی حوزه

حال باید دید که آیا خاص بودن نکاح منافاتی با لفظی نبودن ایجاب و قبول آن دارد به عبارت دیگر اگر نکاح به صورت معاطاتی واقع شود آیا نکاح در رسیدن به اهداف خود ناکام خواهد ماند یا اساساً هیچ ارتباط و تلازمی میان این دو وجود ندارد؟ پیش از آنکه به این مسأله ورود پیدا کنیم شایسته است گفته شود که تمامی احکامی که در دین مبین اسلام تشریع شده اند با تعقل و تعمق قابل تشخیص نمی باشند بلکه برخی از آن ها تعبدی بوده و حتی ادله ای هم که برای آن ها آورده شده از باب توجیه بوده نه از باب بیان علت واقعی تشریع آن احکام.

حال باید دید که وضعیت در خصوص مسأله ای حاضر چگونه است و ادله ای موافقین و مخالفین معاطات در نکاح از چه قرار است؟

ادله ی قائلین صحت نکاح معاطاتی:

اکثر فقها قائل به بطلان این امر می باشند و تنها تعداد معدودی از ایشان برخلاف نظر مشهور فتوا داده اند و دلایلی نیز برای خود اقامه کرده اند که ذیلاً به آن ها اشاره خواهد شد:

یکی از افرادی که قائل به صحت چنین نکاحی شده است آیت الله صادقی تهرانی است که در کتاب توضیح المسائل نوین می نویسد (نقل به مضمون): عقد ازدواج به هر زبانی باشد صحیح است و لزومی ندارد که حتماً به زبان عربی خوانده شود و حتی با اشاره و نوشتن هم صحیح می باشد و نیز اگر با افعالی باشد که عرفاً بر ازدواج دلالت نماید مانند شیرینی تعارف کردن یا حلقه دادن یا پا گذاشتن صحیح است و نکاح صدق می کند زیرا مقصود تشکیل زندگی مشترک است که با این امر نیز محقق خواهد شد^{۲۴} ایشان برای اثبات مدعای خویش به دلایلی چند تمسک جسته اند:

۱- **آیه ی قرآن** که می فرماید: «وَفُؤا بِالْعُقُودِ» عقد در این جا جمع مُحَلّی به الف و لام می باشد و افاده ی عموم می نماید و شامل تمامی عقود از قبیل بیع و اجاره و نکاح و... می شود از طرف دیگر آیه اطلاق دارد و می فرماید به عقدهایاتان وفا کنید و به آن ها پایبند باشید و این اطلاق شامل عقود چه عقودی که با لفظ منعقد شده اند و چه عقودی که بدون لفظ انعقاد یافته اند می شود پس به عقد نکاح معاطاتی نیز باید پایبند بود و لازمه پایبندی و وفا نیز صحت آن عقد می باشد زیرا عقد مادامی که صحیح نباشد امر به پایبندی به آن بلا جهت می باشد

اما برخی از مستشکلین اشکال نموده اند که معاطات در جایی صحیح است که امکان ایجاب و قبول فعلی وجود داشته باشد مثلاً بائع مالی را به مشتری تسلیم نماید و مشتری نیز ثمن را به او پرداخت نماید در حالیکه در نکاح تماس با شخص یا ارتباط جنسی پیش از ازدواج حرام بوده و با چنین فعلی معاطات واقع نمیشود. این اشکال صحیح نیست زیرا: «کسانی که قائل به صحت این نحوه از نکاح هستند می گویند نکاح معاطاتی این است که به واسطه یک عمل صحیح شرعی قصد انشاء عقد شود مثل اینکه پدر دختر یا خود او دستش را در حالی که دستکش در دست دارد در دست زوج بگذارد و امثال این موارد اما اگر عمل مذکور عملی محرم باشد مثل مباشرت یا لمس بدن، این قطعاً جایز نیست (زنجانی، سید موسی شبیری، کتاب نکاح، جلد ۱۹، ص ۶۰۲۵) بنابراین عقد نکاح نیز می تواند با عملی حلال واقع شود و این اشکال صحیح نمی باشد

۲- روایات:

(الف) روایت محمد بن اسماعیل بزیع از امام رضا (ع): «در باره زنی که در حالت مستی خودش را به عقد مردی درآورده و بعد از آفاقه از مستی کارش را زشت می شمارد اما به گمان اینکه عقدی که در حالت مستی خوانده الزام آور است نزد مرد باقی می ماند آیا این عمل او صحیح بوده و مرد بر زن حلال است؟ امام فرمودند: اگر این زن بعد از آفاقه نزد مرد باقی بماند رضایت وی به نکاح است سپس راوی عرض می کند: آیا این ازدواج برای او صحیح است؟ امام فرمودند: آری»

که بیانگر صحت نکاح با عمل (که در این روایت ماندن است) می باشد (البته این روایت اگرچه صحیح است اما خالی از اشکال نیست زیرا مفاد آن با این قاعده که اساساً عقد شخص مست باطل است و رضایت بعدی او هم باعث نفوذ آن نمیشود در تضاد است همچنانکه شهید ثانی و مشهور این اشکال را وارد دانسته اند)^{۲۵}

(ب) روایت نوح بن شعیب از امام صادق (ع): «زنی نزد خلیفه دوم آمد و گفت که من زنا داده ام مرا پاک کن خلیفه دستور رجم او را داد وقتی خبر به امیرالمومنین رسید ایشان فرمودند: چگونه مرتکب این عمل شده ای عرض کرد: در بیابان تشنه بودم و از مردی تقاضای آب کردم و او تنها در مقابل اینکه من خودم را در اختیار او قرار دهم حاضر به دادن آب بود من هم هنگامی که خوف تلف از تشنگی داشتم

^{۲۴} سیدی بنایی، سیدباقر و نظری احمدآباد، عسگر، بررسی نکاح معاطاتی از نظر فقه و حقوق موضوعه، برگرفته از پایگاه جهاد دانشگاهی

^{۲۵} سیدی بنایی، سیدباقر و نظری احمدآباد، عسگر، بررسی نکاح معاطاتی از نظر فقه و حقوق موضوعه، برگرفته از پایگاه جهاد دانشگاهی

خودم را به او تسلیم نمودم امام فرمودند: به خدا قسم این نکاح است». پس مشخص میشود که نکاح بدون صیغه و لفظ خاصی و با عمل نیز محقق می‌گردد

(این روایت نیز از دو جهت دارای مشکل است: ۱- اشکال سندی روایت ۲- در ابتدای روایت زن بیان میدارد که مرتکب زنا شده پس مشخص میشود که اساساً میان آن‌ها قصد و اراده ای برای ازدواج وجود نداشته تا ما از این طریق صحت نکاح معاطاتی را اثبات نماییم زیرا همانگونه که گذشت در معاطات اراده و قصد وجود دارد اما ابزار نشان دادن اراده عمل می‌باشد نه اینکه هیچ قصد و اراده ای برای آن عمل وجود نداشته باشد)

بنابراین تنها دلیل آیت الله صادقی تهرانی برای اثبات صحت نکاح معاطاتی که باقی است و در این مرحله دفع نگردیده عموم و اطلاق «اوفا بالعقد» می‌باشد که باید دید آیا این عموم و اطلاق باقی می‌ماند یا به وسیله ای قابل تخصیص و تقييد است؟ البته در کتاب فقه العقود نیز دلایل دیگری علاوه بر دلایل مذکور که قائلین به صحت نکاح معاطاتی به آن‌ها استناد کرده اند ذکر شده است که شامل:

۱- اطلاق روایت پامبر(ص): «تزوجوا فیّی مکاتر بکم الامم غدا فی یوم» که تزوجوا اطلاق دارد و شامل ازدواج با لفظ یا بدون لفظ می‌شود

۲- حدیث زراره که سند آن نیز تام است از امام صادق(ع) درباب متعه: «خداوند آن را(متعه) در کتابش و در سنت پیامبرش حلال کرده و تا روز قیامت حلال است» که متعه ای که لفظی یا غیر لفظی باشد را دربرمیگیرد و بعد از الغای خصوصیت از آن امکان تمسک به آن برای نکاح دائم نیز وجود خواهد داشت

۳- اطلاق آیه: «وَ اَحِلَّ لَكُمْ مِمَّا وَرَاءَ ذَٰلِكُمْ اَنْ تَبْتَغُوا بِاَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ» اما زنان دیگر غیر از اینها(که گفته شده در آیات قبل)، برای شما حلال است که با اموال خود، آنان را اختیار کنید؛ در حالی که پاکدامن باشید و از زنا، خودداری نمایید. و زنانی را که متعه [ازدواج موقت] می‌کنید، واجب است مهر آنها را بپردازید»

۴- اطلاق آیه: «وَ اَنْكِحُوا الْاَيَامِیَ مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ اِمَّاكُمْ اِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلٍ»^{۲۷} مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را؛ اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد»

۵- اطلاق آیه: «وَ اِنْ خِفْتُمْ اَلَّا تَقْسِطُوا فِی الْاَیَّتِ اَمِیَ فَاَنْكِحُوا مِمَّا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنٰی وَاَوْ ثَلٰثًا وَاَوْ رُبْعًا اِنْ خِفْتُمْ اَلَّا تَعْدِلُوْا فَوْاَحِدَةً»^{۲۸} و اگر می‌ترسید که(بهنگام ازدواج با دختران یتیم)، عدالت را رعایت نکنید، (از ازدواج با آنان، چشم‌پوشی کنید و) با زنان پاک(دیگر) ازدواج نمائید، دو یا سه یا چهار همسر و اگر می‌ترسید عدالت را(درباره همسران متعدد) رعایت نکنید، تنها یک همسر بگیرید»

که همه ی این موارد دال بر صحت نکاح معاطاتی هستند زیرا الفاظی مانند نکاح را به طور مطلق به کار برده است که هم شامل عقد لفظی و هم غیر لفظی می‌شود.

پاسخ و رد این ادله:

آیه ی «اوفا بالعقد» در مقام حلیت نکاح نیست بلکه حلیت نکاح فرع بر چیز دیگری است که همان لازم بودن عقود است همچنین است سایر اطلاق‌ها که برخی برای بیان استحباب نکاح و برخی دیگر برای مشروعیت نکاح متعه برخلاف نظر اهل سنت یا حل مشکل مردان و زنان بی همسر یا مشخص کردن زنانی که ازدواج با آن‌ها حلال است یا جواز چند همسری در صورت دارا بودن عدالت و.... جعل شده اند همچنین ارتکاز عقلایی که همان عقد لفظی در نکاح است همانند مقید متصلی می‌باشد که مانع از ظهور اطلاق می‌شود علاوه بر این، اطلاق آیات قرآن با روایاتی که از سوی قائلین به بطلان نکاح معاطاتی آورده شده تقييد می‌خورند^{۲۹}

^{۲۶} نساء/ ۲۴

^{۲۷} نور/ ۳۲

^{۲۸} نساء/ ۳

^{۲۹} حائری، سید کاظم حسینی، فقه العقود، جلد ۱، ص ۲۶۶

ادله ی قائلین بطلان نکاح معاطاتی:

- ۱- در کتاب دروس التمهیدیه برای این مطلب چند دلیل بیان شده:
(الف) تمسک به آنچه که در روایات برای تعلیم صیغه ی نکاح منقطع وارد شده مانند: «راوی به امام صادق (ع) عرض کرد: زمانی که خواستم در خلوت با زنی ازدواج کنم چه کنم؟ فرمود: بگو ازدواج میکنم با تو به صورت متعه برطبق کتاب خدا و سنت پیامبر نه تو از من ارث ببری و نه من از تو تا فلان روز و اگر خواستی چندسال و به فلان درهم. مهریه همان چیزی است که برآن رضایت کرده اند کم باشد یا زیاد و اگر زن گفت راضی هستم او زن توست و تو بهترین مردم برای او هستی» شیوه ی استدلال به این روایت برای اثبات لزوم عقد لفظی در نکاح بدین گونه است که نکاح منقطع خصوصیت ویژه ای ندارد علی الخصوص آنکه این روایت نشان میدهد که حجیت صیغه در ذهن راوی تثبیت شده بوده و تنها از بعضی خصوصیات آن سوال داشته همچنین ذیل آیه که می فرماید اگر زن بگوید راضی هستم او زن توست بیانگر این است که اگر زوجه این لفظ را بیان ننماید نکاح محقق نخواهد شد
(ب) ایشان می فرمایند که حجیت لفظ در تحقق نکاح در اذهان متشرعین وجود دارد و این امر منشائی نمی تواند داشته باشد مگر آنکه حجیت لفظ دست به دست از معصوم به متشرعین رسیده باشد
(ج) صاحب حدائق بر لزوم تلفظ در عقد نکاح ادعای اجماع عامه و خاصه کرده است^{۳۰}
- ۲- در کتاب نکاح آیت الله زنجانی بیان شده که عمده دلیل برای لزوم انعقاد عقد نکاح به صورت لفظی پذیرفتن و قبول داشتن تمام مسلمین هم امامیه و هم اهل سنت است و تمام سوالاتی که در این باره مطرح شده تنها درباره کیفیت و چگونگی انجام آن است اما خود لفظی بودن مورد پذیرش بوده است و از طرفی دلیلی برای اثبات نکاح معاطاتی نداریم تا بخواهیم این امر خلاف تسالم مسلمین را مورد قبول قرار دهیم^{۳۱}
- ۳- آیت الله العظمی مکارم شیرازی نیز قائل به بطلان نکاح معاطاتی شده اند و دلیل خود را اینگونه بیان داشته اند که: عبادت دو قسم است: (الف) آن دسته از اعمالی که صحت آن منوط به قصد قربت می باشد و در صورت فقدان آن، عمل باطل خواهد بود که از آن تحت عنوان عبادت به معنای خاص یاد می شود مانند نماز و روزه
(ب) اعمالی که قصد تقرب شرط صحت آن ها نیست بلکه بدون قصد تقرب نیز واقع می شوند اما برای کسب ثواب قصد تقرب ضرورت دارد
نکاح شامل هیچیک از این دو دسته نخواهد شد دسته اول که واضح و مسلم است اما دسته دوم نیز اختصاص به نکاح ندارد بلکه شامل سایر عقود نیز خواهد شد به نظر می رسد مقصود فقها از عبادت بودن نکاح توقیفی بودن احکام و شرایط آن است بدین معنا که بدون آنکه نص خاص شرعی در این زمینه وجود داشته باشد نمی توان احکامی برای آن حتی از طریق سیره عقلاء وضع نمود پس نمی توان به صرف اینکه از دید عقلا تفاوتی میان نکاح و سایر عقود که در آن ها معاطات صحیح می باشد وجود ندارد قائل به صحت معاطات شد بلکه باید دلیل خاص شرعی وجود داشته باشد که چنین دلیلی مفقود است.^{۳۲} (و شاید این همان معنای تعبدی بودن است که به آن اشاره شد).
- ۴- در کتاب صراط النجات آمده که: نکاح معاطاتی باطل است زیرا این امر مخالف ارتکاز ذهنی است که از روایات استنباط می شود که زمانی که راوی از نحوه ی انجام صیغه سوال می پرسد بدین معناست که خود حجیت صیغه در ذهن او مفروض بوده ثانیاً در بعضی از روایات معتبر وارد شده که امام (ع) فرمودند: «با کلام تو فرج زن بر تو حلال می شود» از ظاهر این روایات به دست می آید که انشای عقد باید با لفظ باشد نه با عمل^{۳۳}
- ۵- در بسیاری از کتب از قبیل کتاب النکاح آیت الله اراکی و حقوق مدنی دکتر طاهری بیان شده که: بر ضرورت تلفظ در نکاح و بطلان معاطات در آن اجماع اقامه شده است (محمدعلی، اراکی، کتاب النکاح، ص ۳۵۲- حبیب الله، طاهری، حقوق مدنی، جلد ۳، ص ۱۲۰)
- ۶- در کتاب النکاح آیت الله العظمی مکارم شیرازی می فرمایند: سیره ی مسلمین برخلاف نکاح معاطاتی وجود دارد زیرا از صدر اسلام تا کنون سیره مسلمین بر عقد نکاح به صورت لفظی بوده و چنین عقدی به نحوه معاطات یافت نمی شود^{۳۴}
- ۷- در ماده ۱۰۶۲ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران به تبع نظر و دیدگاه فقها لزوم لفظی بودن عقد نکاح بدین شرح مقرر شده است: «نکاح واقع می شود به ایجاب و قبول به الفاظی که صریحاً دلالت بر قصد ازدواج نماید»

^{۳۰} ایروانی، شیخ محمدباقر، دروس التمهیدیه فی الفقه الاستدلالی علی المذهب الجعفری، جلد ۲، ص ۲۹۳

^{۳۱} زنجانی، سید موسی شبیری، کتاب نکاح، جلد ۹، ص ۳۱۱۲

^{۳۲} شیرازی، ناصر مکارم، حیلہ های شرعی و چاره جویی های صحیح، ص ۱۳۳

^{۳۳} خویی، سید ابو القاسم موسوی، صراط النجاة (المحشّی)، جلد ۲، ص ۵۳۵

^{۳۴} شیرازی، ناصر مکارم، کتاب النکاح، جلد ۱، ص ۸۹

و این تنها بخشی از ادله ای بود که قائلین به بطلان نکاح معاطاتی برای اثبات مدعای خویش و رد و ابطال طرفداران نکاح معاطاتی اقامه نموده اند

نظر نگارنده:

در نگاه اول و پیش از بررسی تمام ادله به نظر می رسد که پاسخ به سوال جواز نکاح معاطاتی مثبت باشد زیرا همان گونه که نزد فقیهان تعاطی در بسیاری از عقود از قبیل بیع پذیرفته شده است در نکاح نیز همین حکم باید پابرجا باشد زیرا ملاک اصلی برای تحقق یک عقد اراده و قصد انعقاد آن می باشد و از طرفی بنابر قاعده ی «العقود تابعه للقصد» در می یابیم که عقد ها از قصد ها و اراده ها تبعیت می کنند و تابع و پیرو آن هستند بنابراین چه تفاوتی دارد که وسیله ی ابراز اراده در عقدی لفظ باشد یا عمل مگر ملاک و معیار ما اراده ی اشخاص نیست؟ پس هنگامی که متوجه می شویم که زوجین قصد ازدواج و زندگی مشترک را دارا هستند و به دنبال رابطه ی نامشروع نمی باشند دیگر چه دلیلی برای ممانعت آن ها از چنین عقدی وجود دارد؟ مگر کارایی و خاصیت لفظ چه تفاوتی با عمل دارد که یکی را مقبول و دیگری را مردود می دانیم آیا جز این است که کاشفیت عمل از لفظ قوی تر می باشد و ما را بیشتر به مراد و مقصود صاحبش می رساند؟ از طرف دیگر اگر بنا بر بطلان معاطات باشد باید آن را در هیچ عقد صحیح ندانیم نه آنکه نکاح را از بسیاری عقود دیگر در این زمینه جدا نماییم.

اما بعد از مذاقه و غور کردن در ادله ی طرفداران صحت و بطلان نکاح معاطاتی و با نگاهی منصفانه و نه غرض ورزانه در می یابیم که ادله ی طرفداران صحت نکاح معاطاتی از استحکام چندانی برخوردار نبوده و همانطور که گذشت به راحتی قابل دفع هستند. علاوه بر این هنگامی که در مساله ای اجماع - روایت و سیره مسلمین وجود دارد و تنها در مقابل آن تعداد اندکی از فقیهان ابراز مخالفت کرده اند پذیرفتن ادعای آنان دشوار خواهد بود. حتی اگر ملاک عمل خود را احتیاط قرار دهیم متوجه خواهیم شد که تلفظ عقود نزدیکتر به احتیاط بوده و اقرب به راه صواب است زیرا هنگامی که دلایل بسیاری بر لزوم لفظی بودن نکاح دلالت دارند ضرورتی ندارد که با حکم خود عده ی بسیاری را در معرض محروم ماندن از حکم واقعی قرار دهیم. برای روشن تر شدن بحث نیز نگارنده به صورت مجزایی اقدام به استفتاء از آیت الله العظمی مکارم شیرازی نموده که در ادامه قابل مشاهده است.

اما اگر بفرض پس از مشخص شدن نظر شارع باز هم بتوانیم دلایل و ایرادات بسیاری را در این مورد اقامه کنیم در این هنگام فرض همه گونه ایرادی در همه نوع مساله ای دور از دسترس نخواهد بود و در این صورت است که تعبد جایگاه واقعی خود را از دست خواهد داد زیرا بسیاری از مسائل دیگر از قبیل مدت عده، تعداد رکعات نماز و... وجود دارند که اساسا دسترسی به چرایی وضع چنین احکامی غیر ممکن بوده و تنها با عید بودن است که می توان خود را برای انجام چنین تکالیفی قانع ساخت البته این امر منافاتی با تعمق در دلیل وضع احکام ندارد اما پس از مشخص شدن نظر شارع ما را در انجام آنها یاری خواهد نمود.



پرسش: با عرض سلام و خسته نباشید سوال بنده این است که دلیل جایز نبودن نکاح معاطاتی چیست؟ با توجه به اینکه این مطلب جهت امور علمی مورد استفاده است خواهشمند می باشم که با ذکر دلیل پاسخ فرمایید.

بسم الله الرحمن الرحيم

کد رهگیری: ۹۸۰۲۲۹۰۱۴۵

:: با اهداء سلام و تحیت؛

پاسخ: چیزی به نام ازدواج معاطاتی نداریم، چنین ازدواجی باطل است. در این زمینه به دو نکته زیر دقت فرمایید: ۱. درست است که عقد نکاح از نظر قرارداد مانند سایر عقود است ولی اجماع علمای اسلام بر این است که در نکاح باید صیغه عقد خوانده شود و روایات نیز شاهد بر اعتبار صیغه است بلکه در میان عقلای اهل عرف نیز همیشه در عقد نکاح نوعی قرارداد لفظی یا کتبی وجود داشته و دارد و این نشان می دهد که نکاح وضعی مخصوص به خود دارد. ۲. معروف در میان فقها این است که نکاح به عبادات شبیه تر است تا به معاملات منظور این است که نکاح در شرع مقدس قیود تعبدی زیادی دارد که آن را شبیه به عبادات می کند که جنبه توقیفی دارد.

همیشه موفق باشید

دفتر آیت الله العظمی مکارم شیرازی / استفتائات

نتیجه:

در پایان می توان گفت اگرچه در ظاهر تفاوتی میان نکاح و عقود که معاطات در آن ها صحیح می باشد وجود ندارد اما با وجود روایاتی که بیانگر لزوم لفظی بودن ایجاب و قبول عقد نکاح هستند و نیز اینکه از ابتدای اسلام تا کنون در میان مسلمانان، انجام نکاح به صورت معاطاتی مشاهده نشده و همه ی آن ها به نحو لفظی واقع شده اند و حتی در اذهان راویان روایات نیز لزوم تلفظ صیغه ی نکاح تثبیت شده است و تنها، تردید در کیفیت صیغه است و نه اصل ثبوت آن و همچنین با وجود اجماع و اتفاق نظری که بر بطلان نکاح معاطاتی اقامه شده حتی اگر چنین اجماعی مدرکی هم باشد اما خود انگیزه ای ایجاد می نماید تا دیگر هیچ شکی بر بطلان نکاح معاطاتی باقی نماند چراکه اگرچه در این ادله علت متفاوت بودن نکاح در این زمینه بیان نشده است اما عید بودن اقتضای پذیرش حکم روایات را که ناشی از تفاوتی میان نکاح با سایر عقود است دارد.

اغلب قریب به اتفاق فقهای حاضر نیز قائل به بطلان چنین نکاحی می باشند و برخی از آنان همچون آیت الله العظمی مکارم شیرازی دلیل آن را عبادت بودن نکاح به معنای توقیفی بودن احکام و شرایط آن می دانند. همین امر تکلیف مقلدین از این بزرگواران در جامعه امروزی را که با تنوعی از تمام دوستی ها و ازدواج ها مواجه هستند روشن می سازد و بیانگر این است که این حکم از آن احکامی نمی باشد که با تغییر سبک زندگی و نوع نگرش افراد دچار تغییر و تحول شده باشد.

منابع:

- ۱- ایروانی، شیخ محمدباقر، دروس التمهیدیه فی الفقه الاستدلالی علی المذهب الجعفری، هاجر، ۱۳۹۶
- ۲- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، اسلامی، ۱۳۹۷
- ۳- خراسانی، حسین وحید، توضیح المسائل، دلیل ما، ۱۳۹۲
- ۴- زنجانی، سید موسی شبیری، کتاب نکاح، جلد ۱۹، موسسه پژوهشی رای پرداز
- ۵- شیرازی، ناصر مکارم، کتاب النکاح، مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۴۲۴ق
- ۶- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، اللروضه البهیة فی الشرح للمعه الدمشقیه، دارالتفسیر، ۱۳۸۸
- ۷- تستری، اسد الله کاظمی، مقابس الأنوار و نفائس الأسرار فی أحكام النبی المختار و عترته الأطهار، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت (ع)
- ۸- نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، اسلامی، ۱۳۸۶
- ۹- حائری، سید محمد مجاهد طباطبایی، کتاب المناهل، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث
- ۱۰- اصفهانی، مجلسی اول، محمد تقی، لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه، اسماعیلیان، ۱۴۱۴ق
- ۱۱- بهبهانی، محمد باقر بن محمد اکمل، رساله عملیه متاجر (با تعلیقات میرزای شیرازی)، کارخانه کربلایی محمدحسین، ۱۳۱۰ق
- ۱۲- کرمانشاهی، آقا محمد علی بن وحید بهبهانی، مقام الفضل، مؤسسه وحید بهبهانی، ۱۴۲۱ق
- ۱۳- نراقی، مولی محمد مهدی بن ابی ذر، انیس التجار (محشی)، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۴
- ۱۴- اراکی، محمدعلی، کتاب النکاح، نورنگار، ۱۳۷۷
- ۱۵- خمینی، سید روح الله موسوی - مترجم: اسلامی، علی، تحریر الوسیله - ترجمه، جلد ۲، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹
- ۱۶- خمینی، سید روح الله موسوی، نجاه العباد، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۴۲۲ق
- ۱۷- گیلانی، فومنی، محمد تقی بهجت، استفتائات، دفتر حضرت آیت الله العظمی بهجت، ۱۳۸۸
- ۱۸- حائری، سید کاظم حسینی، فقه العقود، جلد ۱، مجمع الفكر الإسلامی، ۱۴۲۳ق
- ۱۹- شیرازی، ناصر مکارم، حبله های شرعی و چاره جویی های صحیح، مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۴۲۸ق
- ۲۰- خویی، سید ابو القاسم موسوی، صراط النجاة (المحشّی)، دارالصدیقه الشهیده سلام الله علیها، ۱۳۸۵
- ۲۱- حبیب الله طاهری، حقوق مدنی، جلد ۳، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۲
- ۲۲- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷
- ۲۳- حکیمی، محمد مهدی، اراده در عقود، برگرفته از پژوهشکده باقرالعلوم، ۱۳۹۳
- ۲۴- بیگدلی، سعید و مالکی، اعظم، جایگاه اراده ی ظاهری و باطنی در فقه و حقوق موضوعه، مجله حقوقی دادگستری، زمستان ۱۳۹۱
- ۲۵- مجله، فرهنگ کوثر، تابستان ۱۳۸۱، شماره ۵۴، خانواده از دیدگاه قرآن و اهل بیت، برگرفته از پایگاه اطلاع رسانی حوزه
- ۲۶- هدایت نیا، فرج الله، نکاح معاطاتی از منظر فقه، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۴۰، ۱۳۸۷، برگرفته از پایگاه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۲۷- سیدی بنابی، سیدباقر و نظری احمدآباد، عسگر، بررسی نکاح معاطاتی از نظر فقه و حقوق موضوعه، پژوهش های فقه و حقوق اسلامی (فقه و مبانی حقوق اسلامی)، شماره ۲۳، دوره ۷، از صفحه ۸۷ تا صفحه ۱۱۳، بهار ۱۳۹۰، برگرفته از پایگاه جهاد دانشگاهی